

	<p>گزارش چکیده پایان نامه / رساله فارسی و انگلیسی</p>					 دانشگاه خوارزمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۱۴۰۱/۰۹/۲۹	تاریخ دفاع:	کارشناسی ارشد	مقطع تحصیلی:	علوم سیاسی	رشته تحصیلی:	یاسر رجب زاده	نام و نام خانوادگی دانشجو:
دکتر احمد رضا بردبار			نام استاد داور	دکتر مجتبی مقصودی	نام استاد مشاور	دکتر محمد بابائی	نام استاد راهنما
<p>عوامل موثر بر میزان مشارکت سیاسی مردم استان های قومی نشین در انتخابات ریاست جمهوری پس از انقلاب اسلامی ایران؛ (مورد مطالعه استان های؛ سیستان و بلوچستان و گلستان)</p> <p>Effective factors on political participation of ethnic provinces in presidential elections after Iran's Islamic revelation (case study: Sistan and Baluchistan and Golestan Provinces)</p>							عنوان پایان نامه / رساله:
<p>انتخابات محصول توسعه سیاسی است و دولت ها برای اثبات مشروعیت خود به آن متوسل می شوند. انتخابات در ایران به دلیل سطح گسترده ی تنوع قومی از اهمیت دوچندانی بر خوردار می باشد، زیرا مشارکت واقعی اقوام در سرنوشت خود باعث کاهش شکاف های اجتماعی و افزایش همبستگی ملی خواهد شد. از این رو تحلیل فرایندی از شناخت میزان عوامل موثر بر مشارکت سیاسی شهروندان در استان های قومی نشین مورد توجه بسیاری از پژوهشگران حوزه پژوهش های انتخاباتی می باشد. این پژوهش با تحلیل فرایندی عوامل داخلی و خارجی موثر بر مشارکت سیاسی در دو استان سیستان و بلوچستان و گلستان به شیوه توصیفی، تطبیقی و تحلیلی با تاکید به منابع دست اول و رسمی ناظر بر نتایج و میزان مشارکت انتخاباتی به بررسی داده ها می پردازد. یافته ها نشان می دهد که مطالبات سیاسی، اقتصادی و هویتی مهم ترین نقش را در میزان مشارکت اقوام در انتخابات داشته است. فلذا پژوهش در صدد بررسی عوامل موثر بر میزان مشارکت سیاسی مردم استان های قومی نشین در انتخابات ریاست جمهوری از نگاه جامعه شناسی سیاسی می باشد.</p> <p>Elections are the product of political development and governments make use of them to prove their legitimacy. Due to the wide level of ethnic diversity, elections in Iran are doubly important for the people, since the real participation of ethnic groups in their destiny will reduce social gaps and increase national solidarity. Therefore, to analyze the process of knowing the amount of effective factors on the political participation of citizens in ethnically populated provinces is of interest to many researchers in the field of electoral research. This research examines the data by analyzing the process of internal and external factors affecting political participation in the two provinces of Sistan and Baluchistan and Golestan in a descriptive, comparative and analytical manner with emphasis on first-hand and official sources monitoring the results and the amount of electoral participation. The findings show that political, economic and identity demands played the most important roles in the participation of ethnic groups in</p>							چکیده:

elections. Therefore, the research aims to investigate the factors affecting the political participation of the people of ethnic provinces in the presidential elections from the point of view of political sociology.

بیان مسئله:

انتخابات محصول توسعه سیاسی است و در دوران مدرن تقریباً تمام کشورها در تلاش هستند تا از این طریق به اثبات مشروعیت و کارآمدی خود بپردازند. حضور شهروندان در انتخابات همیشه تابع قاعده خاصی نبوده است. در ایران نیز مشارکت شهروندان در تمام انتخابات های برگزار شده همیشه به صورت یکسان نبوده است و بلکه متأثر از دو سطح می باشد. در یک سطح، عوامل داخلی نظیر طبقات اجتماعی، ساختار سیاسی و توسعه اقتصادی کشور و در سطح دیگر، ساختار نظام بین المللی و نیروهای منطقه ای بر روند مشارکت شهروندان موثر می باشد. در واقع در تمام ادوار انتخابات ها مشارکت سیاسی، به دلیل بازیگران مختلف، متفاوت می باشد. اهمیت مشارکت در کشورهایی که موزائیکی از قومیت های مختلف می باشند دوچندان است. در ایران اگرچه آمار دقیقی از این ترکیب وجود ندارد، اما شواهد نشان می دهد که سطح تنوع قومی بسیار بالا است. قومیت ها به عنوان تدوام فرهنگ کشور در دوره های تاریخی مختلف می باشند و نمی توان آنان را نادیده گرفت یا به طور کلی حذف نمود.

حضور اقوام در حوزه سیاست عمومی و ایفای نقش فعال به عنوان شهروند موجب ثبات نظام سیاسی می شود. این مشارکت باعث کاهش شکاف های اجتماعی و افزایش مشروعیت نظام سیاسی می باشد. بی شک دولت ها در سده اخیر به دنبال یکپارچه سازی کل کشور بوده اند و در صورت ایجاد نقش های مناسب برای قومیت ها می توان به این مهم دست یافت. از یکسو، اگرچه اصل مساوات و برابری همگان در پیشگاه قانون همواره مورد توجه قانون گذار و سایر مسئولان قرار گرفته است؛ در فصل سوم قانون اساسی به تضمین حقوق ملت اشاره شده و در اولین اصل آن، یعنی اصل نوزدهم قانون اساسی افزایش مشارکت و کاهش شکاف های اجتماعی و تساوی مردم فارغ از هر رنگ و نژادی اشاره شده است. برابری آنچنان مورد توجه قرار گرفته است که حتی بالاترین مقام کشور یعنی رهبر، بر اساس اصل یکصدوهفتم در برابر قانون مانند سایر شهروندان می باشد. همین طور در سند چشم انداز بیست ساله، به ارائه راهبردهای مناسب برای انسجام اجتماعی، جلوگیری از فعالیت گرایش های قومی، اتکاء به مشارکت عمومی و نیز یافتن راهکارهای مناسب برای همگرایی قومیت ها، مذاهب و اقلیت ها تاکید شده است. اما از سوی دیگر با گسترش طبقه تحصیل کرده، رشد خودآگاهی طبقاتی، مطالبه برای توزیع متوازن موقعیت ها، ناتوانی دولت ها در رفع نیازهای اقوام و تحریک قومیت ها توسط نیروهای منطقه ای و فرامنطقه ای باعث تشدید بحران و فعال شدن شکاف های اجتماعی می شود. در واقع اگر اقوام به تحقق حقوق مصرحه خود در قانون اساسی دست پیدا نکنند، این تبعیض موجب تقویت هویت های مادون ملی نظیر نژاد گرایی، محله گرایی و ... خواهد شد.

ثمره مشارکت سیاسی اقوام و تاکید بر حقوق حقه آنان، ایجاد کننده وحدت ملی در کشور است. وحدت، موجد حس تعهد و تعلق افراد به اجتماع بوده و همین امر، تضمین کننده مشروعیت نظام سیاسی می باشد. در واقع همبستگی ملی به عنوان ابزار اساسی برای بقا، توسعه، رشد و باعث افزایش وجهه کشور در سطح بین المللی می شود.

در ایران هرچه به سمت استان های قومی نشین، خصوصاً دو استان مورد بحث حرکت می کنیم، رابطه معنا داری میان روند مشارکت و قومیت وجود دارد. به خصوص در دهه های اخیر و افزایش تنش ها بین کشور های منطقه و حضور گسترده نیروهای فرامنطقه ای از یکسو و ناکارآمدی دولت ها در رفع نیاز های اساسی مردم در این استان ها از سوی دیگر، فرآیند مشارکت را به امری پیچیده تبدیل کرده است.

<p>درواقع مسئله اصلی پژوهش چگونگی سیر تحول مشارکت سیاسی اقوام است. در این تحقیق قصد ارائه یک تحلیل فرایندی متناسب با شرایط و بستر های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مؤلفه های تاثیر گذار خارجی را داریم.</p>	
<p>این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی، تطبیقی و تحلیلی می باشد. جامعه آماری استان های سیستان و بلوچستان و گلستان است که نوع میزان مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری و علل موثر بر آن مورد بررسی قرار می گیرد. پژوهش مذکور از آمار و اسناد دست اول بهره گیری شده است.</p>	<p>روش پژوهش:</p>
<p>سئوال اصلی: عوامل موثر بر میزان مشارکت سیاسی مردم استان های قومی نشین در انتخابات ریاست جمهوری از نگاه جامعه شناسی سیاسی چیست؟ سئوال فرعی: ۱- مشارکت سیاسی اقوام در ایران معاصر از چه پیشینه ای برخوردار است؟ ۲- نظریه های مشارکت سیاسی اقوام کدامند؟ ۳- عوامل سیاسی موثر بر مشارکت سیاسی اقوام در انتخابات کدامند؟ ۴- عوامل اقتصادی موثر بر مشارکت سیاسی اقوام کدامند؟ ۵- عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت اقوام در انتخابات کدامند؟ فرضیه ی پژوهش به نظر می رسد مطالبات سیاسی، اقتصادی و هویتی مهم ترین نقش را در میزان مشارکت اقوام در انتخابات داشته است.</p>	<p>سئوال و فرضیه تحقیق:</p>
<p>در فصل اول به کلیات پژوهش و بررسی آثار مربوط به حوزه اقوام و ارائه نقاط ضعف در این دسته از منابع پرداخته شد. سپس در فصل دوم به مبانی نظری و نقد و بررسی نظریه های مشارکت سیاسی اشاره شد و در نهایت به دلیل فقدان پوشش نظریه های مذکور به ارائه چهارچوب نظری مناسب تحت عنوان رویکرد سه ضلعی مشارکت سیاسی پرداختیم. در فصل سوم به وضعیت سنجی استان ها و سابقه مشارکت سیاسی در ایران و به جایگاه اقوام در قوانین داخلی اشاره شد. در فصل چهارم به بررسی روند مشارکت انتخاباتی از ابتدای انقلاب اسلامی تا سیزدهمین دوره، تحلیل روند سیاست خارجی در دو سطح منطقه ای و بین المللی و همینطور بررسی متغیرهای (تحصیلات و سواد عمومی، جنسیت، شهرنشینی، شرایط اقتصادی، ساختارهای حقوقی و انتخاباتی کشور و شرایط جغرافیایی) با مشارکت سیاسی در دو استان مذکور پرداخته شد.</p>	<p>روند پژوهش:</p>
<p>در پژوهش مفروضه انگاشته شد که مطالبات سیاسی، اقتصادی و هویتی مهم ترین نقش را در میزان مشارکت اقوام در انتخابات داشته است. اگرچه هر علتی در جایگاه خود تاثیر گذار می باشد، اما بر اساس یافته ها و به نظر نویسنده درجه تاثیر گذاری مفروضات به ترتیب مطالبات اقتصادی، هویتی و سیاسی می باشد.</p>	<p>مهمترین یافته ها:</p>

~~تأیید استاد راهنما~~
بایگ